

## اعلامیه مطبوعاتی

۲۸ رجب؛ روز سقوط بزرگ‌ترین ابرقدرت جهان (خلافت اسلامی)!

بیائید تا به احیای سپر خود (خلافت بر منهج نبوت) پردازیم

(ترجمه)



ای مسلمانان پاکستان! آگاه باشید که الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

[اسراء : ۱]

ترجمه: پاک و منزّه است آن ذاتی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ بی گمان (الله سبحانه و تعالی) شنوای بیناست.

پیامبر بزرگوار اسلام، حضرت محمد مصطفی ﷺ، ناجی بشریت، کسی که شبانگاه در این ماه رجب به معراج عروج کرد، از امام (خلیفه) کسی که به اساس اسلام حاکمیت می کند، به عنوان سپر یاد می کند. چنانچه در حدیثی می فرماید:

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتَلُ مِنْ وَّرَائِهِ وَيَتَّقَى بِهِ»

(بخاری و مسلم)

ترجمه: بی گمان امام (خلیفه) سپری است که از عقب آن جنگیده می شود و به او پناه برده می شود.

حقیقتاً که خلافت یگانه سپهر و حامی ماست. بی‌گمان این عصر طلایی خلافت بود که امیرالمؤمنین حضرت عمر فاروق رضی الله تعالی عنه، دومین خلیفه اسلامی، ارتش اسلام را بخاطر فتح مسجدالاقصی بسیج نمود و آن را فتح کرد. دقیقاً این دوران پرشکوه خلافت بود که سلطان صلاح الدین ایوبی رحمت الله علیه مسجدالاقصی را از چنگ اشغالگران صلیبی آزاد نمود، و بی‌گمان این دوران پر شکوه خلافت بود که سلطان عبدالحمید ثانی، هنگامی که یهودی‌ها می‌خواستند در اطراف مسجدالاقصی مسکن‌گزین شوند، علناً اظهار نمود: «تا زمانی که من زنده‌ام و اگر قطعه‌قطعه هم شوم، یک توتۀ آن را به کسی واگذار نخواهم کرد.»

ای مسلمانان پاکستان! چقدر فاجعه بزرگی ما را احاطه کرد و در چی حالتی اسف‌باری قرار گرفتیم، آنگاه که سپهر ما یعنی خلافت اسلامی در ۲۸ رجب ۱۳۴۲ هـ. ق مطابق ۳ مارچ ۱۹۲۴ م توسط استعمارگران انگلیسی به همکاری خائنان و مزدوران عرب و ترک منهدم گردید. این بود که استعمارگران غربی در نبود خلافت، بر سرزمین‌های مان حمله‌ور شد، ثروت مان را به تاراج برد و سرزمین مان را به بیش از پنجاه دولت خورد و کوچک تقسیم بندی نمودند. در نبود سپهر مان (خلافت) حکام خائن و مزدور به حمایت از یهودی‌های نجس پرداخته و به آن‌ها زمینه ایجاد دولتی یهودی را در سرزمین اسراء و معراج پیامبر ﷺ فراهم نمودند. هم‌چنان، این در نبود سپهر مان (خلافت) است که ما امروزه در فلسطین، کشمیر اشغالی، برما (میانمار) افغانستان، عراق، ترکستان شرقی، سوریه و دیگر سرزمین‌های اسلامی قتل عام و سلاخی می‌شویم. سخنان حضرت حنظله، صحابی جلیل‌القدر چقدر واقعیت است، آنگاه که فرمود:

«عجبت لما يخوض الناس فيه، يرومون الخلافة أن تزولا - ولو زالت لزال الخیر عنهم، ولاقوا بعدها ذلاً ذليلاً»

ترجمه: متعجبم به آنانی که در دنیا فرو می‌روند و آرزوی زوال خلافت را می‌کنند، هرگاه خلافت از بین رود، دیگر خیری در میان آن‌ها نیست و بی‌گمان آن‌ها ذلیل می‌شوند.

ای مسلمانان پاکستان! دیگر به حکامی که حفظ قدرت تنها دغدغه‌شان شده‌اند و پیوسته تلاش می‌کنند تا فرصتی برای تاراج ثروت ما دریابند و سپس ما را در گرداب ذلت و تحقیر قرار می‌دهند، نه بگوئیم و نگذاریم تا با حاکمیت استبدادی‌شان، بالای ما حاکمیت کنند. دیگر بس است! دیگر بس است، حکامی که هم‌چو سپهر از ما حفاظت نمی‌کند؛ بلکه هم‌چو خنجری بر حلقوم ما تیز شده‌اند. فلهمذا این بهترین فرصتی است که ما باید بخاطر ازسرگیری زنده‌گی اسلامی از طریق احیای دوباره سپهر واقعی مان، خلافت برمنهج نبوت، به مبارزه پردازیم. بیائید تا با استفاده از این فرصت، بشارتی که پیامبر بزرگوار اسلام، حضرت محمد مصطفی ﷺ در خصوص پایان یافتن حکومت‌های استبدادی و بازگشت خلافت برمنهج نبوت ارشاد فرموده است، نفس‌های خویش را وقایه نموده و نسبت به آن متوجه باشیم. رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«...ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مَنَاجِ التُّبُوَّةِ ثُمَّ سَكَتَ»

(رواه احمد)

ترجمه: ... سپس حکومت استبدادی مطلقه خواهد آمد و تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد، باقی خواهد ماند، و باز آن را بر می‌دارد و سپس خلافت برمنهج نبوت قائم خواهد شد و سپس سکوت اختیار کردند.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایہ پاکستان

شماره صدور: PR۱۸۰۲۵

۱۷ رجب ۱۴۳۹ھ.ق

۴ اپریل ۲۰۱۸م